



Religiosity as a Process of Active Adaptation: An Analysis of Value Conflict Management Strategies Among Female Students Based on Schwartz's Theory of Values (A Qualitative Study at Islamic Azad University, Isfahan Branch)*

Zahra Abyar¹  Javad Yarali²  Erfaneh Mohammadzadeh Haghighi³ 

1. Assistant Professor, Department of Islamic Education, Farhangian University, Tehran, Iran (**Corresponding Author**).

abyar.z@cfu.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Psychology and Counseling, Farhangian University, Tehran, Iran.

javadyarali@cfu.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Islamic Education, Farhangian University, Tehran, Iran.

e.mohmadzadeh@cfu.ac.ir

Abstract

Values play a fundamental role in shaping individual behaviors and attitudes; however, when differing values come into conflict within group environments such as universities, managing these conflicts gains particular significance. As young adults in the process of shaping their identities and value systems, students encounter numerous value conflicts that can impact their social interactions and academic performance. Aiming to analyze value conflict management strategies in the religious experience of female students based on the framework of Schwartz's

* Abyar, Z., Yarali, J., & Mohammadzadeh Haghighi, E. (2026). Religiosity as a Process of Active Adaptation: An Analysis of Value Conflict Management Strategies Among Female Students Based on Schwartz's Theory of Values (A Qualitative Study at Islamic Azad University, Isfahan Branch). *Islam and Social Studies*, 14(1), pp. 186-217.

<https://doi.org/10.22081/jiss.2026.74248.22107>

▣ **Article Type:** Research Article; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy

▣ **Received:** 2025/10/11 • **Revised:** 2026/02/19 • **Accepted:** 2026/02/17 • **Online Publication:** 2026/03/30

© 2026

authors retain the copyright and full publishing rights



theory of values, this study examines methods and approaches for coping with this challenge. In terms of purpose, this is an applied study, and methodologically, it adopts a qualitative thematic analysis approach. Data were gathered through semi-structured interviews with 215 undergraduate female students at the Islamic Azad University, Isfahan Branch, and analyzed using Braun and Clarke's inductive-applied thematic analysis approach. The findings revealed that when confronted with structural conflicts between conservation values (security, conformity, tradition) and openness to change values (self-direction, stimulation), students draw upon complex strategies such as creative integration, personal redefinition, rational consultation, and the search for practical balance. This process not only demonstrates their active agency in constructing the meaning of religiosity in the secular age, but also outlines a pattern of dynamic adaptation that can serve as a basis for educational interventions and cultural policymaking. This study demonstrates that student religiosity is a reflexive and adaptive project shaped within the field of globalized and local forces.

Keywords

Religiosity, Schwartz, Active adaptation, Conflict management, Isfahan Azad University, Strategic analysis.



دینداری به مثابه فرایند سازگاری فعال: تحلیل راهبردهای مدیریت تعارض ارزشی در میان دانشجویان دختر بر اساس نظریه ارزش‌های شوارتز (یک مطالعه کیفی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان)*

زهرا آبیاری^۱، جواد یارعلی^۲، عرفانه محمدزاده حقیقی^۳

۱. استادیار، گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

abyar.z@cfu.ac.ir

۲. استادیار، گروه روان‌شناسی و مشاوره، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

javadyarali@cfu.ac.ir

۳. استادیار، گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

e.mohmadzadeh@cfu.ac.ir

چکیده

ارزش‌ها نقش بنیادینی در شکل‌دهی به رفتارها و نگرش‌های فردی دارند؛ اما هنگامی که ارزش‌های متفاوت در محیط‌های گروهی مانند دانشگاه با یکدیگر در تعارض قرار می‌گیرند، مدیریت این تعارض‌ها اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. دانشجویان به‌عنوان گروهی از جوانان که در حال شکل‌دهی به هویت و نظام ارزشی خود هستند، با تعارض‌های ارزشی متعددی روبه‌رو می‌شوند که می‌تواند بر تعاملات اجتماعی و عملکرد تحصیلی آن‌ها تأثیرگذار باشد. این مطالعه با هدف تحلیل راهبردهای مدیریت تعارض ارزشی در تجربه

* آبیاری، زهرا؛ یارعلی، جواد و محمدزاده حقیقی، عرفانه. (۱۴۰۵). دینداری به مثابه فرایند سازگاری فعال: تحلیل راهبردهای مدیریت تعارض ارزشی در میان دانشجویان دختر بر اساس نظریه ارزش‌های شوارتز (یک مطالعه کیفی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان). اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۴(۱)، صص ۱۸۶-۲۱۷.
<https://doi.org/10.22081/jiss.2026.74248.22107>

■ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

■ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۹/۲۸ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۸ • تاریخ انتشار آنلاین:

۱۴۰۵/۰۱/۱۰

© ۱۴۰۵ «نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند»



دینداری دانشجویان دختر با تکیه بر چهارچوب نظریه ارزش‌های شوارتز، به بررسی روش‌ها و شیوه‌های مقابله با این چالش پرداخته است. نظر به این مهم، پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، کیفی از نوع تحلیل مضمون است. داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۲۱۵ دانشجوی دختر مقطع کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان گردآوری و با رویکرد تحلیل مضمون استقرایی- کاربردی براون و کلارک تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که دانشجویان در مواجهه با تعارض ساختاری میان ارزش‌های حفظ سنت (امنیت، همنوایی، سنت) و گشودگی به تغییر (خودمختاری، هیجان‌خواهی)، از راهبردهای پیچیده‌ای چون تلفیق خلاقانه، بازتعریف شخصی، مشورت عقلانی و جستجوی تعادل عملی برداشت می‌کنند. این فرایند، نه تنها بیانگر عاملیت فعال آنان در ساختن معنای دینداری در عصر سکولار است؛ بلکه الگویی از سازگاری پویا را ترسیم می‌کند که می‌تواند مبنای مداخلات آموزشی و سیاست‌گذاری فرهنگی قرار گیرد. این مطالعه نشان می‌دهد دینداری دانشجویان، پروژه‌ای بازتابی و انطباقی است که در میدان نیروهای جهانی شده و محلی شکل می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها

دینداری، شوارتز، سازگاری فعال، مدیریت تعارض، دانشگاه آزاد اصفهان، تحلیل راهبردی.

۱. طرح مسئله

دینداری عنوان عامی است که به هر فرد یا پدیده‌ای که ارزش‌ها و نشانه‌های دینی در آن متجلی باشد، اطلاق می‌شود و با دو طریق می‌توان دینداری افراد را از یکدیگر متمایز ساخت: یکی، از طریق پابندی و التزام دینی‌اش و دیگری، پیامد دینداری و آثار تدین در فکر و جان و عمل فردی و اجتماعی او (شجاعی‌زند، ۱۳۸۲، ص ۳) و متغیری است که درجه دینی‌بودن اشخاص را مشخص می‌کند (Stylianou, 2004, p. 435). با توجه به تنوع معانی که برای دینداری ذکر می‌شود در جامعه ما نیز به دینداری به‌عنوان پدیده‌ای ساختاری و چندبعدی نگاه می‌شود و آن را راهی می‌دانند که ابعاد آن تمامی زندگی انسان را تحت تأثیر قرار داده و او را به یک هدف کلی و متعالی که همانا سعادت و خوشبختی است، رهنمون می‌سازد (خدایاری‌فرد، ۱۳۸۵، ص ۵).

مطابق نظر اندیشمندانی چون ابن خلدون (ابن خلدون، ۱۳۷۳، ص ۱۶۳)، زیمل، وبر، گیدنز، وبلن (Ahmet, 2008, p. 210) و بوردیو (Bourdieu, 2002, p. 159) و دینداری فرم و شکل محتوای دینی است که شکل‌گیری این فرم به شرایط اجتماعی و عناصر وابسته به آن ارتباط دارد و از عناصر و مشخصه‌های مهم دنیای مدرن، سبک زندگی است به تعبیری دین متأثر از شرایط زندگی و امکانات مادی فرد است و همچنین به تعبیر برگر و لاکمن رسانه‌ها، شغل، سطح و نوع تحصیلات، اقتصاد، سیاست به‌عنوان دنیاهای فرعی در دنیای جدید بر عمل دینی (دینداری) افراد اثر می‌گذارد (Berger, 1967, p. 174). نظر به این امر، جامعه ایران در دهه‌های واپسین شاهد تحولات گسترده‌ای در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و دینی بوده است. فرایندهای نوسازی، گسترش آموزش عالی، توسعه فضای مجازی و تعامل فزاینده با گفتمان‌های جهانی، میدانی پیچیده از تعامل، تعارض و گفت‌وگو میان ارزش‌های گوناگون را برای نسل جوان به وجود آورده است. تحلیل جامعی که فاضلی (۱۴۰۳) بر پیمایش‌های انجام گرفته درباره وضعیت دین‌داری در کشور داشته، نشان داده بیشتر جامعه ایران (قریب دو سوم) همچنان (حداقل تا سال ۱۳۸۸) دارای سبک زندگی دینی بوده و با توجه به فقدان تغییرات خیلی سریع در نظام‌های فرهنگی و اجتماعی، همچنان می‌توان جامعه ایرانی را دارای سبک زندگی

دینی به حساب آورد. این امر اهمیت توجه به «دین» به عنوان سازه اصلی سبک زندگی را به ضرورت بدل کرده است. براین اساس، دین را می‌توان محوری‌ترین پایه تحلیل زندگی دانست. بررسی‌ها هم‌چنین از ادعای پژوهش حاضر براین اساس که دین جایگاه ویژه‌ای در میان مردم دارد دفاع می‌کند؛ اما تحولات سریع نسلی در دو دهه اخیر، دینداری را نه به عنوان یک مجموعه ثابت و یکپارچه، بلکه به مثابه یک فرایند پویا از سازگاری، مذاکره و مدیریت تعارض میان نظام‌های ارزشی رقیب ظاهر بدل کرده است (Dillon, 2018, p. 12)؛ اگرچه مطالعات کمی داخلی (مانند پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، موج ششم، ۱۳۹۹) و تحلیل‌های ثانویه (گودرزی و همکاران، ۱۴۰۰) نشان از گذار از دینداری هنجاری-اجتماعی به دینداری اخلاق‌محور و شخصی می‌دهند، اما چگونگی مدیریت این گذار در سطح تجربه زیسته و راهبردهای شناختی-عملی افراد کمتر مورد کاوش عمیق قرار گرفته است. به بیان دیگر، این مطالعات نشان می‌دهند «چه» اتفاقی در حال رخ دادن است، اما از تبیین «چگونه» این تحول و سازوکارهای ذهنی کنشگران عاجزند. این پژوهش با اتکا به نظریه ارزش‌های اساسی (Schwartz, 2012) به عنوان چهارچوبی ساختاریافته و بین‌المللی، در پی پرکردن این شکاف است. هدف اصلی، نشان دادن این امر است که دانشجویان دختر چگونه در میدان نیروهای متعارض ارزشی (به ویژه تقابل «حفظ سنت» در برابر «گشودگی به تغییر» و «خودتعالی» در برابر «خودگسترشی»)، به عاملیت و خلاقیت فردی متوسل می‌شوند تا تعارضات را مدیریت کرده و نوعی «سازگاری فعال»^۱ با الزامات دنیای مدرن و درعین حال حفظ پیوندهای معنوی و اخلاقی خویش ایجاد کنند. این مفهوم، وام گرفته از ادبیات جامعه‌شناسی دین زندگی‌روزمره (Ammerman, 2014) و روان‌شناسی فرهنگی سازگاری (Berry, 2017) است که بر استراتژی‌های کنشگران در مواجهه با تغییرات فرهنگی تأکید دارد.

ضرورت این مطالعه، ارائه تحلیلی ساختاریافته و فراتر از توصیف از تجربه دینی جوانان است. نوآوری آن در ترکیب چهارچوب نظری شوارتز با رویکرد کیفی عمیق و

1. Active Negotiation.

تغییر کانون از وضعیت تعارض به فرایند مدیریت تعارض است. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش اصلی است: دانشجویان دختر از چه راهبردهای فعالی برای مدیریت تعارض میان نظام ارزشی حفظ سنت (با بار دینی) و نظام ارزشی گشودگی به تغییر/خودگسترشی (با بار مدرن) در عرصه زندگی و دینداری خود استفاده می کنند؟

۲. پیشینه

مهمترین مطالعاتی که به این تحقیق نزدیک است را در سه حوزه می توان دسته بندی کرد: الف) مطالعات بین المللی در چهارچوب ارزش های شوارتز: حجم گسترده ای از تحقیقات کمی رابطه همبستگی میان جهت گیری دینی و ارزش ها را بررسی کرده اند. یافته های ثابتی نشان می دهند که دینداری نهادی و سنتی، همبستگی مثبت قوی با ارزش های حفظ سنت (امنیت، همنوایی، سنت) و خودتعالی (جهان گرایی، خیرخواهی) و همبستگی منفی با ارزش های گشودگی به تغییر (خودمختاری، هیجان خواهی) دارد (Schwartz & Huismans, 1995; Saroglou, Delpierre, & Dernelle, 2004). مطالعه متأخرتر ساگیو و شوارتز (Arieli & Sagi, Schwartz, 2017) نیز نشان داد در جوامع جمع گرا، این الگو تشدید می شود؛ اما این مطالعات تنها الگوهای همبستگی را نشان می دهند و قادر به کشف فرایندهای روان شناختی و راهبردهای فردی در مواجهه با این تعارضات نیستند.

ب) مطالعات کیفی بین المللی بر سازگاری و مذاکره دینی: در دو دهه اخیر، مطالعات کیفی بر عاملیت افراد در بازسازی معنای دین تمرکز کرده اند. مفهوم «دین زندگی روزمره»^۱ (Ammerman, 2014) و «چانه زنی ایمانی»^۲ (Dillon, 2018) نشان می دهند افراد در جوامع سکولار، به جای طرد دین، به انتخاب گزینشی، بازتفسیر و تلفیق عناصر دینی با ارزش های مدرن (مانند برابری جنسیتی، آزادی فردی) می پردازند.

ج) مطالعات داخلی: در ایران، افزون بر پیمایش های کلان، محدود مطالعات کیفی به بررسی تجربه دینی جوانان پرداخته اند.

1. Everyday Religion.

2. Religious Negotiation.

پژوهش سراج‌زاده و جواهری تحت عنوان «سنجش نگرش و رفتار دانشجویان ۱۳۸۲» است؛ همچنین میرسندسی (۱۳۸۳) در رساله دکتری خود با عنوان «مطالعه میزان و انواع دینداری دانشجویان» در سه بعد مناسکی، اعتقادی و تجربی به این نتیجه رسیده است که میزان دینداری دانشجویان در ابعاد اعتقادی و تجربی بالا و پای بندى آنان به اعمال فردى دین در حد متوسط به بالاست. توسلى و مرشدی (۱۳۸۵) در مقاله «بررسی وضعیت دینداری و گرایش‌های دینی دانشجویان (مورد مطالعه دانشگاه صنعتی امیرکبیر)» بر چهارچوب نظری سازه‌گرایی اجتماعی به تبیین وضعیت دینداری و گرایش‌های دینی در جوامع در حال گذار می‌پردازد. محققان در این پژوهش به این نتیجه رسیده‌اند که باورهای دینی دانشجویان در حد بالا و پایبندی آنان به انجام دادن مناسک فردی بدن در اندازه متوسط به بالاست؛ اما پایبندی آن‌ها به انجام دادن اعمال جمعی دینی در اندازه کم ارزیابی می‌شود؛ همچنین گرایش به دین خصوصی، برخورد گزینشی با دین، گرایش به تکثرگرایی دینی رواج زیادی دارد. مرشدی (۱۳۸۹) در تحقیقی به روش پیمایش، سطح دینداری و گرایش‌های دینداری جوانان را بررسی کرده است. یافته‌ها نشان داد که برخورد گزینشی و گرایش به تکثرگرایی دینی در نسل جوان رواج زیادی دارد. رامین حبیب‌زاده خطبه‌سرا (۱۳۸۴) نیز در پژوهشی با عنوان «بررسی انواع دینداری در بین دانشجویان دانشگاه تهران» به نتایج مشابهی رسیده است.

کلاته ساداتی و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله «درک و تجربه دینداری در نسل زد؛ مطالعه‌ای کیفی در شهر یزد» به این نتیجه رسیده که هرچند مشارکت کنندگان به شکلی بازاندیشانه با دین مواجهه دارند، اما هنوز مرزهای اعتقادی در این زمینه محکم و پابرجاست. درواقع، بیشترین محور محاجه دینی، تأکید بر فردیت و گریز از دین عادت واره‌ای است. درواقع، عاملیت، ضمن داشتن اعتقاد دینی (به‌خصوص در اصول)، اما در مرز میان دین، عادت‌وارگی و معنویت سرگردان است.

همچنین کلاته ساداتی و رضوی (۱۴۰۳) در پژوهشی مشابه و مقایسه‌ای میان نسل دهه هفتاد و تحصیل کرده به این نتیجه رسیدند که مشارکت کنندگان نسبت به قلمرو

دین با چالش‌های شناختی، ارزشی و رفتاری مواجه‌اند که درمجموع بازانديشي حادی مشاهده می‌شود که بیانگر بالاتکلیفی مرجع‌گریز در موضوع دینداری است.

حسن‌پور و معمار (۱۳۹۴) نیز در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیدند که دینداری جوانان در این سنخ، بدل به امری شخصی، غیرالزام‌آور، خصوصی، سلیقه‌ای، گزینشی، مبتنی بر تعقل، خرد فردی و همراه با نپذیرفتن دگرسالاری نهادهای دینی شده است و به سمت امری اقتضایی و لذت‌گرایانه سیر می‌کند. بوستانی و چاری صدیق (۱۳۹۲) نیز در مطالعه‌ی «بررسی ساختار و محتوای ارزشی نسل‌ها (مطالعه موردی شهروندان بالای ۱۸ سال شهر کرمان)» به این نتیجه دست‌یافته که در نسل سوم (نسل جدید) در ارزش‌هایی غیر از ارزش‌های جهان‌گرایی و قدرت، حداقل با یکی از نسل‌ها تفاوت دارند؛ همچنین با مقایسه جهت‌گیری ارزشی نسل‌ها نیز مشاهده شد ارزش‌های فردگرایی جزء اولویت‌های بالای نسل سوم و ارزش‌های جمع‌گرایی و سستی در اولویت‌های بالای نسل‌های قدیمی‌تر قرار دارند.

وجه تمایز این پژوهش با مورد فوق این است که از چهارچوب نظری قوی و نظام‌مند برای تحلیل لایه‌های مختلف تعارض استفاده کرده؛ همچنین پژوهش حاضر با به کارگیری نظام‌مند نظریه شوارتز و حجم نمونه کیفی بزرگ (۲۱۵ نفر)، می‌کوشد تا تحلیل خود را در گفت‌وگوی مستقیم با ادبیات جهانی قرار دهد.

۳. روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف، اکتشافی-تبیینی و از نظر رویکرد، کیفی است. روش اصلی، تحلیل مضمون (تماتیک)، روشی نظام‌مند برای تحلیل داده‌های متنی و تبدیل اطلاعات پراکنده به مضامین غنی و منسجم (محمدپور، ۱۳۹۲، صص ۶۶-۶۷) و براساس مدل شش مرحله‌ای (Braun & Clarke, 2006) استفاده شده است. هدف تحلیل مضمون، الگویابی در داده‌ها و استخراج تم‌هایی است که از خود داده‌ها نشأت می‌گیرند. این روش به دلیل انعطاف و قابلیت آن در استخراج الگوهای معنادار از داده‌های غنی کیفی انتخاب شد. در این تحقیق از طرح شبکه مضامین استرلینگ (Stirling, 2021) بهره گرفته شده که بر پایه

سه سطح مضامین یعنی پایه^۱، سازمان‌دهنده^۲ و فراگیر^۳ بنا شده است (Sterling, 2021). در این رویکرد ساختار مضامین به صورت نقشه شبکه‌ای^۴ ترسیم می‌شود تا روابط میان آن‌ها آشکار گردد. جامعه آماری، دانشجویان دختر مقطع کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ و با تنوع بالای رشته‌ای بودند. با برداشت از روش نمونه‌گیری هدفمند با بیشترین تنوع و با معیار ورود «تمایل به مشارکت در مصاحبه عمیق درباره تجربه دینداری»، پس از رسیدن به اشباع نظری، حجم نمونه نهایی ۲۱۵ نفر تعیین شد. این حجم در مطالعات کیفی، «مقیاس بزرگ»^۵ به‌شمار می‌رود و امکان شناسایی الگوهای متنوع و افزایش اعتبارپذیری یافته‌ها را فراهم می‌کند (Sandelowski, 1995). ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌ساختاریافته عمیق با استفاده از یک راهنمای محقق ساخت ۱۲ پرسشی بود که حول محورهای چون: تعریف دینداری، تجربه تعارض، راهبردهای مدیریت و تصویر آینده طراحی شده بود. مصاحبه‌ها ضبط، پیاده و برای تحلیل آماده شدند؛ همچنین در سه فوکوس گروپ^۶ نیز این نظرات بار دیگر بیان و بازخورد گرفته شد. جهت تحلیل داده‌ها نیز محقق در شش مرحله اقدام کرد: (۱) آشنایی با داده‌ها، (۲) تولید کدهای اولیه، (۳) جست‌وجوی مضامین، (۴) بازنگری مضامین، (۵) تعریف و نام‌گذاری مضامین و (۶) تدوین گزارش. در مرحله نهایی، مضامین استخراج شده در چهارچوب چهار بعد ارزشی شوارتز و مفهوم «سازگاری فعال» سازماندهی و تفسیر شدند. برای افزایش اعتبار^۷ و پایایی^۸ از راهبردهای بازبینی توسط همتایان، بازبینی توسط مشارکت کنندگان و ارائه توصیف غنی استفاده شد (Guba & Lincoln, 1985). باید خاطر نشان کرد که ملاحظات اخلاقی شامل رضایت آگاهانه،

1. Basic Theme.
2. Organizing Theme.
3. Global Theme.
4. Web-Like Maps.
5. Large-N Qualitative.
6. Focus Group.
7. Validity.
8. Reliability.

محرمانگی اطلاعات و حق انصراف در هر مرحله نیز رعایت شد؛ به‌نحوی که در فوکوس گروپ برخی داوطلبانه تجربه دینداری خود و فرایند تغییر در مقاطع مختلف زندگی خود را با جمع در میان می‌گذاشتند.

۴. مبانی نظری

چهارچوب نظری این مطالعه، ترکیبی از سه حوزه است: نظریه ارزش‌های اساسی شوارتز: سنگ بنای تحلیل ساختاری این پژوهش است. طبق این نظریه، ده ارزش جهانی در یک ساختار مدور با دو بعد قطبی اصلی سازمان می‌یابند. شوارتز معتقد است که ده گونه ارزشی وجود دارد که در توافق و همپوشی هستند: ۱. قدرت و موفقیت که هر دو بر عزت و برتری اجتماعی اهمیت دارند. ۲. موفقیت و لذت‌طلبی که هر دو بر خود‌کامرواسازی تأکید دارند. ۳. لذت‌طلبی و برانگیختگی که هر دو محرک مطلوب هستند. ۴. برانگیختگی و استقلال که هر دو دربردارنده نواخواهی، تسلط و مهارت‌اند. ۵. استقلال و جهان‌گرایی که نشانه قضاوت خود فرد و آرامش در قبال تنوع هستند. ۶. جهان‌گرایی و خیرخواهی که بیانگر توجه بیشتر به دیگران و فراتر از منافع خود رفتن است. ۷. خیرخواهی و همنوایی که بیانگر رفتارهای هنجاری بوده و موجب تقویت همبستگی روابطی می‌شود. ۸. خیرخواهی و سنت که سبب افزایش ایثار و فداکاری نسبت به گروه خود می‌شوند. ۹. همنوایی و سنت که بیانگر همراهی با انتظارات تحمیلی جامعه است. ۱۰. سنت و امنیت که هر دو بیانگر حفظ مقررات اجتماعی است. ۱۱. همنوایی و امنیت که هر دو بر ممانعت یا غلبه بر تهدیدات نامشخص و غیرقابل‌پیش‌بینی به‌وسیله کنترل روابط و منابع تأکید دارند. شوارتز معتقد است که تعقیب هم‌زمان گونه‌های ارزشی موجب ظهور تضادهای اجتماعی و روان‌شناختی خواهد شد: ۱. استقلال و برانگیختگی در مقابل همنوایی، سنت و امنیت؛ ۲. جهان‌گرایی و خیرخواهی در برابر موفقیت و قدرت‌گرایی؛ ۳. لذت‌گرایی در مقابل همنوایی و سنت (افراط در برآوردن هوس‌ها و خواسته‌های خود در تضاد با ممانعت ظهور سائقه فرد و به‌طور بیرونی پذیرش محدودیت‌های تحمیلی). این

ارزش‌های ده‌گانه در دو بعد سازماندهی شده‌اند: حفظ سنت در برابر گشودگی به تغییر و خودگسترشی در برابر خودتعالی. دین سنتی عمدتاً با قطب حفظ سنت (تأکید بر امنیت، همنوایی و پابندی به آداب) و خودتعالی (تأکید بر اخلاق جهانی و خیرخواهی) همسو است؛ بنابراین، گسترش ارزش‌های گشودگی به تغییر (مبتنی بر خودمختاری و اکتشاف فردی) در جوامع در حال گذاری مانند ایران، به‌طور ساختاری منبع تنش است (Schwartz, 2012, p. 8).

۲. نظریه‌های فردی‌شدن و دین در عصر سکولار: برای فهم بستر اجتماعی، از آرای نظریه‌پردازانی چون تیلور در کتاب عصر سکولار و برگر در مورد «افول نهادهای اقتدار سنتی» بهره برده می‌شود. تیلور معتقد است انسان معاصر در یک «سرشاری» به سر می‌برد که همان آفات سرخوشی و سرمستی است که با همان غایت زندگی می‌کند. این لحظات سرخوش بودگی می‌تواند برخاسته از تجربه جنسی فرد یا هر نوع تجربه مادی لذت‌بخش باشد که برخاسته از حس خدابودگی انسان یا عقل بسندگی باشد حتی می‌تواند از خود فراموشی یا هوس‌های برخاسته از غفلت یا تغافل و همچنین تجربه‌های برآمده از نفس تغییر پیوسته و نبود یک هویت معلوم و مشخص باشد (Taylor, 2007, p. 5). از نظر تیلور انسان معاصر می‌تواند این سرشاری را از یک تجربه دینی و معنوی گرفته باشد؛ اما همین انسان سکولار، سرشاری‌های اینجایی و اکنونی‌اش را در یک فرایند تصمیم‌گیری بر سرشاری‌های واپسین ترجیح داده و بر سرشاری‌های دنیوی متمرکز می‌شود و به همان نیز اکتفا می‌کند (Taylor, 2007, p. 8). تیلور در ادامه معتقد است که سرشاری عامل تعیین‌کننده در زندگی انسان است به‌نحوی که فلسفه حیات چیزی جز گذر زندگی به وضعیت سرشاری نیست. انسان غیرمؤمن به دنبال رضایت‌بخشی و لذت‌بخشی زندگی است و چیزی نباید مانع این سرشار بودگی شود. سرشاری انسان سکولار از توجه به خود، به درون خود و به خود انحصاری حاصل می‌شود درحالی که سرشاری انسان دیندار در پرتو توجه به خدا و توجه به امر بیرونی است (اسمیت، ۱۴۰۱، ص ۷۲). تیلور همچنین در توصیف عصر سکولار از مفهوم «فشار دوگانه» استفاده می‌کند. بدین صورت که ظهور فشار دوگانه از سوی دین و سکولاریسم، برخاسته از یک

حرکت فطری فشرده و متراکم در تاریخ غرب برای اقبال به دین و معنویت است؛ یعنی انسان معاصر در عصر حاضر با حس خلأ و اضطراب ناشی از سکولاریزاسیون، به دنبال معنا و معنویت است. از نظر تیلور انسان غربی تا رسیدن به نقطه بی‌ایمانی فاصله زیادی دارد (Taylor, 2007, p. 330) بدین‌سان اساساً دین را نمی‌توان از جامعه حذف کرد؛ از این‌رو در دنیای جدید متکثر، ایمان و بی‌ایمانی به هم تنه می‌زنند. انسان معاصر در پی گزینه‌های دیگر برای معنابخشی به زندگی است. در این گسترده‌نگی، افزون‌بر «تکثر گزینه‌ها» با «تزلزل گزینه‌ها» روبه‌است که این تزلزل ناشی از مجاورت و برخورد گزینه‌ها با یکدیگر است. در چنین شرایطی تیلور معتقد است دین می‌تواند با ایجاد معانی معنوی و نیز با ارائه معانی قابل‌فهم و جذاب، در روند اجتماعی مشارکت کند؛ به بیانی دیگر با توجه به محدودیت فضای مادی و دنیوی، آدمی نیازمند به عالم ماوراست تا بلکه بتواند کمبود خود را جبران کند و بریدگی (طلاق) از خود (Taylor, 2007, p. 380) و از منابع عمیق مربوط به خود را ترمیم کند. انسان معاصر در نقطه بریدگی وجودی است که رنج‌ها و اضطراب‌های تودرتو را تجربه می‌کند. فشار دوگانه‌ای که میان دین و سکولاریسم رخ داده به معنای بازگشت به مسیحیت نیست؛ بلکه مراجعه به نوعی از معنویت یا مسیحیت اصلاح‌شده است؛ از این‌رو دین افول نمی‌کند؛ بلکه جایگاه جدیدی از تقدس و معنویت ظهور پیدا می‌کند (Taylor, 2007, p. 437). در جامعه ایران نیز مطابق پیشینه مطالعات انجام‌شده نوعی از «فردی‌شدن ناقص» (کلاته ساداتی و همکاران، ۱۴۰۳) دین و همچنین «فردی‌شدن در بستر جمع‌گرایی» (حسن‌پور و معمار، ۱۳۹۴) رخ داده که طی آن، گرایش به انتخاب فردی و خودابرازی افزایش یافته، اما فرد هنوز در شبکه‌های خانوادگی و اجتماعی سنتی جای دارد. این بستر، میدان تعارض ارزشی را تشدید می‌کند.

۳. نظریه کنشگری و سازگاری فعال: برای پرهیز از جبرگرایی، از نظریه‌های کنشگر-محور در روان‌شناسی فرهنگی و جامعه‌شناسی دین استفاده می‌شود. مدل «سازگاری فرهنگی اکولوژیک» پری چهار استراتژی اصلی (ادغام، همگون‌سازی، جدایی، حاشیه‌نشینی) را در مواجهه افراد با فرهنگ‌های متفاوت معرفی می‌کند. همگون‌سازی این است که فرد هویت فرهنگی خود را ازدست‌داده به فرهنگ جامعه مقصد

روی آورد. جدایی نیز زمانی است که افراد برای حفظ فرهنگ مادری خود ارزش قائل اند، لذا از کنش متقابل با دیگر فرهنگ‌ها خودداری می‌کنند (Berry, 2008). ادغام یا یکپارچگی این است که شخص به فرهنگ جامعه مبدأ پایبند است؛ درحالی که با فرهنگ جامعه مقصد نیز ارتباط دارد و به آن هم وفادار است و منظور از حاشیه‌نشینی این است که فرد هم فرهنگ قومی خود و هم فرهنگ جامعه میزبان را طرد می‌کند. بری این مدل را بیگانگی دوگانه می‌نامد چون در این استراتژی عدم وفاداری به دو فرهنگ رخ می‌دهد (Berry, 2008)؛ همچنین، مفهوم «عاملیت دینی»^۱ در نظریه Swidler (2001) بر «جعبه‌ابزار فرهنگی» افراد و نحوه استفاده فعال آنان از عناصر گوناگون برای ساختن زندگی معنادار تأکید دارد. ترکیب این چهارچوب‌ها، مفهوم محوری «سازگاری فعال» را می‌سازد که عبارت است از: فرایند آگاهانه و پویایی که طی آن فرد با برداشت از منابع شناختی، عاطفی و اجتماعی، به مدیریت تعارض میان نظام‌های ارزشی رقیب پرداخته و با تلفیق‌گزینی و بازتعریف، نوعی انسجام و عملکرد مؤثر در زندگی خود ایجاد می‌کند.

۵. تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد دانشجویان به جای رویارویی انفعالی یا طرد یک‌سوی تعارض، از مجموعه‌ای از راهبردهای فعال و گاه هم‌زمان برای مدیریت میدان ارزشی استفاده می‌کنند. این راهبردها در چهار گروه اصلی قابل دسته‌بندی هستند که در نمودار زیر آمده است:



نمودار ۱: راهبردهای سازگاری فعال در مدیریت تعارض ارزشی

1. Religious Agency.

الف) راهبرد تلفیق خلاقانه و بازتعریف مرزهای دینی

این مضمون فراگیر از چهار مضامین سازمان دهنده «بازتعریف محتوایی: انتقال از شکل به محتوا»، «بازتفسیر اقتضایی: افزودن تبصره به سنت»، «ایجاد تمایز گزینشی: گزینش بر اساس اولویت شخص» و «تلفیق عملی: یافتن هم‌پوشانی میان خواسته و ارزش» انتزاع شده که در ماتریس شماره ۱ آمده است:

ماتریس شماره ۱: راهبرد تلفیق خلاقانه و بازتعریف مرزها

ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضمون فراگیر
۱	تأکید بر اخلاق به عنوان جوهره دینداری/رفتار عادلانه و درستکار؛ ارزش گذاری به دیگران؛ رفتارهای نیکو و انسانی؛ رعایت انصاف و احترام؛ رعایت حقوق دیگران؛ احترام به عقاید دیگران؛ صداقت و راست گویی؛ انتخاب‌های اخلاقی و درست؛ احترام به اصول اخلاقی؛ خدمت به جامعه؛ ارزش‌های اخلاقی و انسانی؛ انسانیت و دینداری..	بازتعریف محتوایی: انتقال از شکل به محتوا	تلفیق خلاقانه و بازتعریف مرزهای دینی
۲	معنویت شخصی و ارتباط عاطفی با خدا/ارتباط عمیق با خدا؛ باور قلبی در عبادت؛ شکرگزاری و عبادت؛ آرامش و معنا در زندگی؛ زندگی براساس ایمان (وجه معنوی-درونی).		
۳	لزوم تفسیر احکام با توجه به مقتضیات زمان/ دینداری و هویت فردی؛ دینداری و آزادی فردی؛ محدودیت‌های دینی و خواسته‌های شخصی؛ تضاد میان خواسته‌ها و ارزش‌ها؛ نیاز به تعادل در ارزش‌ها؛ چالش‌های دینداری در محیط‌های اجتماعی؛ توازن میان خواسته‌ها و ارزش‌ها...	بازتفسیر اقتضایی: افزودن تبصره به سنت	

ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضمون فراگیر
۴	تفکیک دستورات اجتماعی از اصول اخلاقی / اولویت بندی ارزش ها؛ تنظیم اولویت ها؛ خود آگاهی و ارزیابی خواسته ها؛ شناخت خواسته ها؛ انتخاب های تحصیلی و شغلی؛ احترام به ارزش های دینی و خانوادگی؛ توجه به نیازهای عاطفی؛ توجه به خواسته های واقعی؛ تعیین مرزها و اولویت ها ...	ایجاد تمایز گزینشی: گزینش بر اساس اولویت شخص	
۵	جستجوی راه حل های «حلال» برای خواسته ها/ تلفیق ارزش های دینی و خواسته های شخصی؛ هم راستایی ارزش ها با نیازهای فردی؛ ایمان قلبی و خواسته ها؛ توجه به تعادل در زندگی؛ توجه به رشد فردی و معنوی؛ توجه به ارزش های انسانی و اجتماعی؛ حفظ دینداری در تصمیم گیری....	تلفیق عملی: یافتن هم پوشانی میان خواسته و ارزش	

راهبردی که دانشجویان در این بخش به کار می برند، بازتعریف خلاقانه و تطبیقی مفاهیم دینی است که هم به حفظ جوهره اخلاقی و معنوی دین می پردازد و هم قالب ها و مناسک سنتی را با مقتضیات زمانه تطبیق می دهد. در این راهبرد، افراد با بازتعریف شخصی از مفاهیم و احکام دینی، فاصله میان خواسته های مدرن و انتظارات سنتی را کم می کنند؛ مانند تعبیر یکی از دانشجویان که می گوید: «زیاد در تضاد نیست اما باید با توجه به شرایط زمانه... یک سری تبصره و اما و اگر ضمیمه مسائل دینی شود چون زمانه کنونی... با ۱۴۰۰ سال پیش دچار تغییرات خیلی زیاد و متنوعی شده است». این بازتعریف، بیشتر با تأکید بر جوهره اخلاقی و معنوی دین (خودتعالی) و کمرنگ کردن یا تفسیر انعطاف پذیر شعائر و قالب های رفتاری خاص (حفظ سنت) همراه است. این فرایند، مطابق با یافته های آمرمن درباره «دین زندگی روزمره» است که در آن، عمل دینی در بستر انتخاب های روزمره بازسازی می شود؛ به بیانی «دین فقط چیزی نیست که

مردم داشته باشند یا انجام دهند؛ بلکه چیزی است که در بافت روزمره زندگی شان جریان دارد» (Ammerman, 2014, p. 3). یکی دیگر نیز با این توصیف راهبرد خود را نشان می‌دهد: «مواردی که برای من تعارض ایجاد کرده مابین سبک زندگی خودم و دین میانه‌ای انتخاب می‌کنم و حداقل‌ها را در نظر می‌گیرم و تلاش می‌کنم خودم را به آن میانگین نزدیک کنم» به بیان آمرمن «افراد معنا و عمل دینی را از طریق انتخاب‌های روزمره بازسازی می‌کنند و این بازسازی میان سنت‌های به ارث رسیده و واقعیت‌های معاصر انجام می‌شود» (Ammerman, 2014, pp. 20- 45) این راهبرد در این تعبیر نیز بهتر دیده می‌شود: «یعنی علاقه من به کاشت ناخن و مژه و نماز و انجام واجبات را طوری مدیریت کنم که به هیچ کدام لطمه وارد نشود، مثلاً در مراسمات خاصی به جای کاشت ناخن که به صورت یک ماه بر روی ناخن‌های من است از ناخن مصنوعی استفاده می‌کنم که پس از مراسم‌ها آن‌ها را از روی ناخن‌های خودم بکنم و برای مژه هم از مژه مصنوعی استفاده می‌کنم»؛ از منظر نظریه ارزش‌های (Schwartz, 1992) این رفتار نشان‌دهنده فرایند «سلسله مراتب‌سازی ارزش‌ها» است، جایی که فرد به جای پذیرش تمام ارزش‌های فرهنگی به شکل ایستا، آن‌ها را به صورت فعال و موقعیت‌محور اولویت‌بندی و گزینش می‌کند (Schwartz, 1992, pp. 21-25) این گزینش ارزش‌ها با هدف حفظ «خودفراتر» که شامل ارزش‌های اخلاقی و معنوی است، هم‌راستا است؛ به عبارت دیگر، دانشجویان در تلاش‌اند تا هویت دینی خود را بر اساس ارزش‌های بنیادین و قابل‌تعمیم به زمانه‌های گوناگون بازسازی کنند، نه تنها پیروی کورکورانه از مناسک و قالب‌های سنتی. برخی نیز این گونه راهبردی در پیش می‌گیرند: «تصمیم به مهاجرت و تلاش برای سازش و گذر موقتی از آن‌ها». این نوع پاسخ‌ها بیانگر این است این کنشگران با پذیرش اصل دین، لزوم بازتفسیر و افزودن تبصره را با توجه به مقتضیات زمان طرح می‌کند که نمونه آشکار تلفیق خلاقانه و بازسازی دین به شکل سازگار با دنیای مدرن است؛ چارلز تیلور نیز در بحث فردی‌شدن دین، مفهوم «خودسازی» را مطرح می‌کند که طی آن دین به یک پروژه اخلاقی و شخصی تبدیل می‌شود. دین دیگر تنها یک نهاد بیرونی نیست؛ بلکه به عنوان ابزاری برای ساختن معنا و هویت در شرایط پیچیده مدرن عمل می‌کند

(Taylor, 2007, pp. 33-38). برگر نیز بر نقش «ساخت اجتماعی واقعیت» تأکید دارد و می‌گوید: «دین به عنوان یک نظام معنا در زندگی روزمره بازتولید و بازتعریف می‌شود» (Berger, 1967, pp. 45-50) این فرایند بازتعریف دینی که در داده‌ها مشاهده می‌شود، نشان‌دهنده فعال‌سازی عاملیت فردی در مواجهه با فشارهای اجتماعی و فرهنگی است.

ب) راهبرد عقلانی‌سازی، مشورت و جست‌وجوی راه‌حل‌های «حلال»
چهار مضمون سازمان‌دهنده «استفاده از نظام مشورتی بیرونی»، «تحلیل هزینه-فایده و آینده‌نگری»، «بازبینی انتقادی منابع فشار» و «سلسله‌مراتب‌سازی ارزشی موقعیت‌محور» سطح انتزاع راهبرد دوم را نشان می‌دهد که در ماتریس شماره ۲ آمده است:

ماتریس شماره ۲: راهبرد عقلانی‌سازی، مشورت و جست‌وجوی راه‌حل‌های «حلال»

ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
۱	مشورت با افراد آگاه و معتمد/ مشورت با افراد آگاه و با تقوا؛ گفت‌وگو با خانواده و دوستان؛ راهنمایی خانواده و خواهر؛ انتقال تجربه؛ حمایت و مشاوره؛ نصیحت و تجربیات؛ استفاده از تجربیات دیگران؛ کمک در انتخاب‌های مهم؛ مشورت در مواقع تردید؛ برگزاری جلسات مشاوره...	استفاده از نظام مشورتی بیرونی	عقلانی‌سازی، مشورت و جست‌وجوی راه‌حل‌های عقلانی
۲	برنامه‌ریزی دقیق و بررسی عواقب/ توجه به پیامدها و عواقب تصمیم‌ها؛ تحلیل موقعیت‌ها؛ مدیریت تعارضات؛ تحلیل هزینه-فایده انتخاب‌های دینی؛ آینده‌نگری در تصمیمات؛ آگاهانه‌تر انتخاب کردن؛ بازنگری در باورهای دینی؛ تقویت عقلانی‌ایمان؛ شناخت فرصت‌ها و محدودیت‌ها؛ تفکر منطقی در تصمیم‌گیری...	تحلیل هزینه-فایده و آینده‌نگری	

ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضمون فراگیر
۳	تفکر انتقادی نسبت به انتظارات جامعه؛ تقویت آگاهی و پرسشگری؛ تعریف مجدد ارزش‌ها؛ فاصله گرفتن از دین یا کمرنگ‌شدن تعهدات؛ فشارهای تحصیلی و اجتماعی؛ تأثیر رسانه‌ها و تبلیغات؛ نقد انتظارات اجتماعی و خانوادگی؛ آگاهی از دین در جامعه؛ تأثیر مدرنیته بر دینداری...	بازبینی انتقادی منابع فشار	
۴	اولویت‌بندی ارزش‌ها در موقعیت‌های تعارض/توجه به موقعیت و شرایط در تصمیم‌گیری؛ تعادل موقعیتی میان ارزش‌ها و خواسته‌ها؛ سلسله‌مراتب‌دادن به ارزش‌های دینی، خانوادگی و اجتماعی؛ انتخاب ارزش مناسب با زمینه؛ توجه به فشار محیطی و جایگاه اجتماعی...	سلسله‌مراتب‌سازی ارزشی موقعیت‌محور	

در این راهبرد، دانشجویان به جای واکنش‌های هیجانی، از عقلانیت ابزاری و فرایندهای بازتابنده برای حل تعارضات استفاده می‌کنند؛ بدین معنی که آن‌ها به ارزیابی هزینه-فایده، آینده‌نگری و مشورت با افراد آگاه متوسل می‌شوند. این راهبرد به آنان این اجازه را می‌دهد تا از منابعی مانند تفکر انتقادی، مشورت با افراد معتمد (خانواده، دوستان آگاه، مشاور) و بررسی عواقب برای یافتن راه‌حلی استفاده کنند که هم تا حدی خواسته شخصی را برآورده کند و هم از نظر اخلاقی/دینی «حلال» یا قابل توجیه باشد. این راهبرد، هم‌سو با نظریه گیدنز درباره «بازتابندگی خود» است که در آن فرد در جهان مدرن، ناگزیر به انتخاب‌های آگاهانه و مبتنی بر ارزیابی مستمر است. «بازتابندگی خود» به معنای توانایی فرد در بررسی مستمر و بازاندیشی در مورد انتخاب‌ها و هویت خود در دنیای مدرن است (Giddens, 1991, pp. 37-42). دانشجویان در مصاحبه‌ها به وضوح نشان می‌دهند که در مواجهه با تعارض، به تحلیل دقیق موقعیت و مشورت با منابع معتمد

متوسل می‌شوند که مصداق بارز بازتابندگی است: «گاهی که خواسته‌های شخصیم با ارزش‌های دینی در تضاد قرار می‌گیرند در این مواقع میان خواسته‌ها و این ارزش‌ها نظرسنجی و مشورت می‌گیرم»؛ همچنین این تعبیر «من از یک روش یا استراتژی که همیشه در زندگی خودم استفاده می‌کنم این است که در حال حاضر خداوند تمامی حرکات و حرف‌های تو را مشاهده می‌کند و همین امر موجب می‌شود ترمز بگیرم و در رفتارم تجدیدنظر کنم». فعل «نظرسنجی و مشورت می‌گیرم» نشان‌دهنده فرایندی عقلانی، حساب‌شده و جمع‌گرایانه برای خروج از بن‌بست تعارض است.

برخی نیز به جای ایجاد تنش از روش سکوت یا پرهیز مستقیم از واکنش‌های هیجانی استفاده می‌کنند: «یکی از روش‌هایی که خیلی بهم کمک کرده اینه که یاد گرفتم همیشه لازم نیست همه‌چیز رو توضیح بدم یا از خودم دفاع کنم گاهی سکوت یا تغییر مسیر صحبت بهتر از بحث و درگیری به خصوص وقتی میدونم طرف مقابل نمی‌خواد واقعا منو بفهمه فقط دنبال تحمیل نظرش هست». برخی نیز تاکتیک اظهارنظر نکردن را در پیش می‌گیرند: «من همیشه کوتاه می‌آیم و کاری با کسی ندارم هر کسی اختیار خودش را دارد و به خودش مربوط است و نباید توی کار کسی دخالت کرد و سکوت می‌کنم که مدیریت شود». از منظر نظریه ارزش‌های شوارتز، این فرایند عقلانی‌سازی نشان‌دهنده سلسله‌مراتب‌سازی ارزش‌ها و اولویت‌بندی آن‌هاست که فرد با توجه به موقعیت و پیامدهای عملی، انتخاب آگاهانه انجام می‌دهد (Schwartz, 1992, pp. 24-26). این امر به فرد اجازه می‌دهد تا تعارضات میان ارزش‌ها را با توجه به شرایط خاص مدیریت کند.

ج) راهبرد تعادل‌جویی پویا به مثابه یک فرایند مداوم

راهبرد فوق از تلفیق چهار مضمون سازمان‌دهنده «تعادل به مثابه یک پروژه مداوم»، «رعایت اصل میانه‌روی در عمل»، «ساختن یک زیست جهان ترکیبی» و «عادی‌سازی تعارض به جای حذف آن» به دست آمده است. ماتریس این مضامین در زیر آمده است:

ماتریس شماره ۳: راهبرد تعادل جویی پویا

ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضمون فراگیر
۱	جستجوی فعال «تعادل» به عنوان یک فرایند/ تعادل در تصمیم گیری و زندگی؛ شناخت خواسته ها و ارزش ها؛ پرهیز از افراط و تفریط؛ آگاهی و شناخت عمیق؛ توسعه خود آگاهی؛ احترام به باورهای دینی؛ برنامه ریزی هوشمندانه...	تعادل به مثابه یک پروژه مداوم	تعادل جویی پویا به مثابه یک فرایند مداوم
۲	اجتناب از افراط و تفریط (اعتدال)؛ توجه به حداعتدال در رفتار و تصمیم ها؛ اجتناب از افراط در دینداری یا دنیاگرایی؛ رعایت میانه روی در انتخاب پوشش و روابط؛ تعادل در عمل دینی و اجتماعی...	رعایت اصل میانه روی در عمل	
۳	ایجاد هم زیستی عملی میان خواسته و ارزش؛ ترکیب ارزش های دینی با عناصر مدرن زندگی؛ تعامل سازنده با دنیای معاصر؛ یافتن توازن میان سنت و مدرنیته؛ ساختن هویت شخصی میان دین و جامعه...	ساختن یک زیست جهان ترکیبی	
۴	پذیرش تعارض به عنوان بخشی از زندگی؛ پذیرش تعارضات ارزشی به عنوان بخشی از زیست دینی؛ گفت و گوی درونی با خود برای حل تعارض؛ درک اینکه ناسازگاری ارزش ها طبیعی است؛ تمرین هم زیستی با دوگانگی ها...	عادی سازی تعارض به جای حذف آن	

تعادل‌جویی به عنوان یک پروژه دائمی و پویا، نشان‌دهنده پذیرش تعارض به عنوان بخشی طبیعی از زندگی و تلاش مستمر برای سازگاری است. هرچند کمتر پاسخ‌دهنده‌ای ادعا می‌کند به «تعادل» ثابت و پایدار رسیده؛ در عوض، جست‌وجوی تعادل خود به عنوان یک راهبرد پویا و همیشگی توصیف می‌شود. این استراتژی، پذیرش هم‌زمان بخش‌هایی از هر دو نظام ارزشی و تلاش برای ایجاد یک هم‌زیستی عملی روزمره است. این مفهوم با یافته‌های بری درباره استراتژی «ادغام» به عنوان موفق‌ترین راهبرد سازگاری فرهنگی هم‌خوانی دارد وی استراتژی ادغام را به عنوان فرایندی پویا معرفی می‌کند که در آن فرد همواره در تلاش است تا تعادلی میان هویت اصلی و نیازهای جامعه بزرگ‌تر برقرار کند (Berry, 2017, p. 20) این مفهوم با داده‌های به دست آمده که تعادل را به عنوان یک «سفر» و نه «مقصد» توصیف می‌کنند، کاملاً سازگار است: «همیشه سعی می‌کنم تعادلی میان دیانت و زندگی مدرن پیدا کنم». بری در این باره معتقد است «ادغام با دو تعهد مشخص می‌شود: حفظ هویت فرهنگی اصلی خود و درعین حال تلاش برای ایجاد روابط مثبت با جامعه بزرگ‌تر» (Berry, 2017, p. 18) است که در این قسمت از مصاحبه کشگر به نحوی دیده می‌شود: «تغییر در خود، انعطاف. با بررسی دقیق مسئله می‌فهمم که بخشی از حل مسئله خودم مربوط است و یک مقدار سبک زندگیم را با خانواده هماهنگ‌تر کنم در ابتدا تعارض را به سمت نزاع نکشانم و تلاش کنم در وهله اول به صورت منطقی به آن نگاه کنم و مدیریت هیجانات کنم و شنوای خوبی باشم در مرحله بعد به این توجه کنم که جزئی از خانواده هستم و هویت من وابسته به خانواده است پس نباید در برخورد بی‌مهابا عمل کنم».

با توجه به اینکه «استراتژی ادغام به طور معمول با نتایج بهتر سازگاری روان‌شناختی و جامعه‌شناختی نسبت به دیگر استراتژی‌های هم‌فرهنگی همراه است» (Berry, 2008, p. 53)؛

از همین روست که برخی این استراتژی را برای حل مشکلات زندگی نیز به کار می‌برند: «من دختر خیلی منطقی و آرومی هستم و به شدت صلح طلب تصمیم گرفتم به جای غر زدن و جروب‌بحث با بقیه چیزی را جایگزین علاقم کنم مثلاً به جای خوانندگی رفتم سراغ گویندگی و الان هم گوینده دانشگاه خودم هستم». برگر بر ماهیت بازتولیدی دین در زندگی روزمره تأکید دارد و می‌گوید افراد در تعامل با ساختارهای اجتماعی، به طور مداوم معنا می‌سازند و تعادل‌های جدیدی ایجاد می‌کنند (Berger, 1967, p. 52) تیلور نیز معتقد است زندگی در دنیای مدرن مستلزم مدیریت مستمر تعارضات هویتی و اخلاقی است و افراد ناگزیرند همواره خود را بازتعریف کنند و تعادل جدیدی بیابند (Taylor, 2007, p. 43). تکرار قید «همیشه» و فعل «سعی می‌کنم» به خوبی پویایی، تدریجی بودن و فرایندی بودن این راهبرد را نشان می‌دهد که در تفسیر این کنشگران تعادل یک مقصد نیست؛ بلکه خود سفر است. بری در این باره معتقد است این استراتژی به افراد اجازه می‌دهد میان فرهنگ‌ها حرکت کنند و از هر دو فرهنگ مبدأ و میزبان بهره‌مند شوند (Berry, 2017, p. 20)؛ از همین روست که دانشجویان هنگام تعارض میان ارزش‌ها و دینداری خود در جستجوی تعادلی هستند که فرایندی بینابین را نشان می‌دهد.

د) راهبرد مقاومت انتخابی و دفاع از حریم عاملیت

تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها یکی دیگر از راهبردهایی را نشان داد که از تلفیق مضامین سازمان‌دهنده‌ای چون «مقاومت در برابر تملک جسم و سبک زندگی»، «واکنش روانی دفاع از خودمختاری»، «حفظ قلمرو شخصی در برابر نفوذ اجتماعی»، «ادراک فشار ساختاری به مثابه محدودیت نفس» و «اعتبارزدایی از مراجع قدرت از طریق افشای تناقض» به دست آمده و در ماتریس شماره ۴ آمده است:

ماتریس شماره ۴: راهبرد مقاومت انتخابی و حفظ عاملیت

ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضمون فراگیر
۱	مخالفت با اجبار (به ویژه در حجاب)؛ حفظ حریم شخصی و خودمختاری؛ مقاومت در برابر قضاوت و کنترل اجتماعی؛ پابندی به حجاب و حیا؛ استقلال در سبک زندگی؛ مقابله با تحمیل ارزش های بیرونی؛ آگاهی از فشارهای بدنی و پوششی؛ حفظ کنترل بر قلمرو شخصی؛ مرزبندی با هنجارهای اجباری.	مقاومت در برابر تملک جسم و سبک زندگی	مقاومت انتخابی و دفاع از حریم عاملیت
۲	لجبازی در برابر فشارهای ناخواسته؛ ادراک فشار اجتماعی به مثابه تهدید خود؛ تلاش برای حفظ استقلال تصمیم گیری؛ دفاع روانی از آزادی در انتخاب های دینی؛ مراقبت از هویت شخصی؛ مقاومت در برابر نفوذ خانوادگی یا اجتماعی؛ واکنش به تملک فرهنگی یا جنسیتی؛ حفظ مرزهای روانی در دینداری.	واکنش روانی دفاع از خودمختاری	
۳	دفاع از حریم خصوصی در تصمیم گیری؛ حفظ حریم خصوصی؛ استقلال در انتخاب های عاطفی و اجتماعی؛ توانایی نه گفتن در برابر فشار جمعی؛ مدیریت روابط طبق ارزش های شخصی؛ خودهدایتی در عمل دینی؛ تمیز میان باور شخصی و هنجار اجتماعی.	حفظ قلمرو شخصی در برابر نفوذ اجتماعی	

ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضمون فراگیر
۴	احساس خفگی از انتظارات بیش از حد؛ تجربه فشارهای اجتماعی، جنسیتی و فرهنگی؛ محدودیت‌های محیطی بر آزادی عمل؛ احساس محدودیت در تصمیم‌گیری دینی؛ تفسیر این فشارها به عنوان آزمون یا کنترل درونی؛ توجه به محدودیت‌های ساختاری دانشگاه و جامعه؛ مواجهه آگاهانه با قیود اجتماعی.	ادراک فشار ساختاری به مثابه محدودیت نفس	
۴	انتقاد از دوگانگی گفتار و عمل نهادها؛ مشاهده تناقض در رفتار مذهبی مراجع و نهادها؛ بی‌اعتمادی به الگوهای رسمی دین؛ تمایل به تفسیر شخصی از ایمان؛ نقد ریاکاری مذهبی؛ ارزش‌گذاری بر تجربه فردی ایمان؛ استقلال فکری از مراجع قدرت؛ رجوع به منابع اصیل دینی.	اعتبارزدایی از مراجع قدرت از طریق افشای تناقض	

مقاومت انتخابی نشان‌دهنده واکنش فعال فرد به فشارهای اجتماعی و نهادی است که به عنوان محدودیت بر عاملیت و خودمختاری فردی درک می‌شوند؛ بدین معنا که در مواجهه با فشارهای اجتماعی یا رسمی که به عنوان تحمیل و نقض حریم شخصی ادراک می‌شوند، نوعی مقاومت انتخابی و اعتراض آمیز ظهور می‌یابد. این مقاومت لزوماً به معنای طرد دین نیست؛ بلکه عموماً معطوف به صورت‌های نهادی شده و تحمیلی دینداری (بعد حفظ سنت) است: «فشارهای زیاد و احترام نگذاشتن به حریم خصوصی... در برخی مواقع باعث لجبازی من می‌شود». از منظر تیلور، مقاومت در برابر تحمیل‌های

دینی و اجتماعی بخشی از فرایند فردی شدن دین است که طی آن فرد تلاش می‌کند هویت دینی خود را مستقل از نهادهای قدرت شکل دهد (Taylor, 2007, p. 51). تبدیل فشار بیرونی به «لجبازی»، نشان‌دهنده فعال‌سازی یک مکانیسم روانی دفاعی برای حفظ حس عاملیت و کنترل بر بدن و زندگی خود است. شوارتز نیز نشان می‌دهد که در تقابل میان ارزش‌های خودگردانی و فشارهای اجتماعی، مقاومت می‌تواند به عنوان یک استراتژی حفظ حریم عاملیت تعبیر شود (Schwartz, 1992, p. 26)؛ همچنین برگر بر نقش چانه‌زنی فرد با ساختارهای قدرت و تلاش برای حفظ فضای عاملیت تأکید دارد که این فرایند مقاومت فعال را توجیه می‌کند (Berger, 1967, p. 55).

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش، تصویر غنی و پیچیده‌ای از دینداری نسل جوان ارائه می‌دهد که برخلاف دیدگاه‌های سنتی و تک‌بعدی، نه انفعالی و نه ویرانگر است؛ بلکه فرایندی فعال، بازتابنده و سازگارانه را نشان می‌دهد. این تصویر تازه، با استفاده از نظریه‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی، به‌ویژه نظریه‌های جان بری، شوارتز، چارلز تیلور و پیتز برگر، قابل تبیین و تعمیق است:

۱. دینداری به مثابه دین زیسته: با تکیه بر مفهوم «دین زیسته» که آمرمن معرفی کرده است، داده‌ها نشان می‌دهد که دانشجویان دینداری خود را نه به عنوان مجموعه‌ای از مناسک خشک و قواعد تحمیلی؛ بلکه به عنوان یک تجربه روزمره، معنادار و قابل بازسازی می‌بینند. این امر نشانگر فعال‌سازی عاملیت فردی در نسبت با دین است که در آن، افراد با بازتعریف خلاقانه احکام و مناسک، زمینه‌ای برای تحقق هم‌زمان خودتعالی اخلاقی و گشودگی به تغییر فراهم می‌آورند.

۲. سازگاری فعال پارادایمی؛ تلفیق هویت‌ها و ارزش‌های ناسازگار: واژه «سازگاری فعال پارادایمی» که در این مطالعه مطرح شده، به معنای فرایند ساخت یک پارادایم شخصی است که در آن فرد به صورت آگاهانه و خلاقانه، عناصری از هویت‌ها و ارزش‌هایی را که در نگاه اول ناسازگار به نظر می‌رسند، تلفیق می‌کند. این مفهوم

برگرفته از نظریه‌های شوارتز و بری است که ارزش‌ها به شکل سلسله‌مراتبی و پویا در تعامل با شرایط موقعیتی انتخاب می‌شوند؛ بنابراین سازگاری فعال می‌تواند تعبیر سلسله‌مراتب‌سازی و اولویت‌بندی مجدد ارزش‌ها باشد که فرد در آن در پی حفظ ارزش‌های بنیادین اخلاقی (خودفراتر) است و در عین حال با ارزش‌های مدرن و فردی‌سازی شده سازگار می‌شود. بری استراتژی ادغام را بهترین شکل سازگاری فرهنگی می‌داند که در آن فرد هویت فرهنگی سنتی خود را حفظ می‌کند و هم‌زمان در جامعه مدرن مشارکت فعال دارد؛ این فرایند «پارادایم تلفیقی» را شکل می‌دهد که در آن فرد با انعطاف و خلاقیت، تعارضات ظاهری را به فرصت‌هایی برای رشد تبدیل می‌کند.

۳. بازتابندگی و خودسازی در دینداری جوانان: مطابق نظریه گیدنز فرد در دنیای مدرن با «بازتابندگی خود» مواجه است؛ یعنی ناچار به بازاندیشی مستمر در مورد هویت و انتخاب‌های خود است. دانشجویان در این پژوهش، نشان داده‌اند که دینداری‌شان فرایندی بازتابنده است که در آن مدام در حال ارزیابی، بازتعریف و تطبیق ارزش‌ها و هویت خود با شرایط متغیر هستند. تیلور نیز در مفهوم «فردی‌شدن دین»، بر تبدیل دین به پروژه‌ای اخلاقی و شخصی تأکید می‌کند که فرد به واسطه آن معنا و هویت خود را می‌سازد. یافته‌های پژوهش، این نظریه را تأیید می‌کند؛ دانشجویان با انتخاب‌های آگاهانه و تفسیرهای اقتضایی، دین را به ابزاری برای تحقق استقلال فردی و پیشرفت در جهان مدرن تبدیل کرده‌اند.

۴. نقش ساخت اجتماعی دین و چانه‌زنی با نهادهای قدرت: برگر بر مفهوم «ساخت اجتماعی واقعیت دینی» تأکید دارد که در آن دین به عنوان نظامی از معنا در زندگی روزمره بازتولید و بازتعریف می‌شود. دانشجویان مورد مطالعه، نمونه‌هایی از این فرایند ساخت و بازسازی را ارائه می‌دهند که در آن مقاومت فعال در برابر تحمیل‌های نهادی، دفاع از حریم عاملیت و بازتعریف آزادی‌های دینی به چشم می‌خورد. این چانه‌زنی‌ها نشان‌دهنده حضور فعال عاملیت فردی در فرایندهای فرهنگی و دینی است و از جهت جامعه‌شناسی دین، نشانه‌ای از دین پویا و زنده است

در نهایت یافته‌های پژوهش، چهره‌ای نوین از دینداری نسل جوان ترسیم می‌کند که در آن فرایندهای فرهنگی، روانی و اجتماعی به شیوه‌ای پیچیده و پویا درهم تنیده شده‌اند. دانشجویان نه تنها متأثر از فشارهای اجتماعی، بلکه کنشگرانی فعال هستند که با استفاده از راهبردهای عقلانی، تلفیقی و مقاومت‌آمیز، همزمان ارزش‌های سنتی و نیازهای مدرن را مدیریت می‌کنند. این «سازگاری فعال پارادایمی» نه تنها موجب حفظ پیوندهای اخلاقی و معنوی با سنت می‌شود؛ بلکه امکان گشودگی به تغییر، خودگسترشی و تحقق فردیت را در جهان مدرن فراهم می‌آورد. چنین رویکردی می‌تواند به عنوان الگویی نوین در مطالعات دین و مدرنیته مطرح شود که هم پیچیدگی‌های زیست دینی معاصر را به رسمیت می‌شناسد و هم افق‌های امیدبخش برای سازگاری و همزیستی فرهنگی و ارزشی می‌گشاید.

فهرست منابع

- ابن خلدون، عبدالرحمن. (۱۳۷۳). مقدمه (مترجم: محمد پروین گنابادی، ج ۱، ۲). تهران: علمی و فرهنگی.
- اسمیت، جیمز کی ای. (۱۴۰۱). چگونه سکولار نباشم؟. تهران: ترجمان.
- بوستانی، داریوش؛ چاری صادق، مسعود. (۱۳۹۲). بررسی ساختار و محتوی ارزشی نسل‌ها (مطالعه موردی شهروندان بالای ۱۸ سال شهر کرمان). راهبردی اجتماعی و فرهنگی، ۲(۶)، صص ۷-۴۱.
- پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج ششم). (۱۳۹۹). مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا).
- (۱۳۸۵). بررسی وضعیت دینداری و گرایش‌های دینی دانشجویان (مورد مطالعه دانشگاه صنعتی امیرکبیر). جامعه‌شناسی ایران، ۷(۴)، صص ۹۶-۱۱۸.
- حبیب‌زاده خطبه‌سرا، رامین. (۱۳۸۴). بررسی انواع دینداری در بین دانشجویان دانشگاه تهران. (استاد راهنما: علیرضا شجاعی‌زند)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس. دانشکده علوم انسانی، گروه جامعه‌شناسی.
- حسن‌پور، آرش؛ معمار، ثریا. (۱۳۹۴). مطالعه وضعیت دین و ورزی جوانان با تأکید بر دینداری خود مرجع (ارائه یک نظریه زمینه‌ای). تحقیقات فرهنگی ایران، ۸(۳)، صص ۹۹-۱۳۱.
- سراج‌زاده، حسین. (۱۳۸۵). چالش‌های دین و مدرنیته: مباحثی جامعه‌شناختی در دینداری و سکولارشدن. تهران: طرح نو.
- سراج‌زاده، سیدحسین؛ جواهری، فاطمه. (۱۳۸۲). نگرش‌ها و رفتارهای دانشجویان. تهران: تهران پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی؛ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، معاونت فرهنگی و اجتماعی.
- شجاعی‌زند، علیرضا. (۱۳۸۲). مدل برای سنجش دینداری در ایران. جامعه‌شناسی ایران، ۶(۱)، صص ۳۴-۶۶.

- طالبان، محمدرضا؛ رفیعی بهابادی، مهدی. (۱۳۸۹). «تحولات دینداری بر اساس تفاوت های نسلی در ایران (۱۳۸۸-۱۳۵۳)». مسائل اجتماعی ایران، ۱(۲)، صص ۸۵-۱۱۴.
- فاضلی، نعمت‌الله. (۱۴۰۳). زندگی روزمره ایرانی. تهران: انتشارات همرخ.
- کلاته ساداتی، احمد؛ صبحی گلکار، زینب و سیاوشی، نگار. (۱۴۰۳). درک و تجربه دینداری در نسل زد؛ مطالعه‌ای کیفی در شهر یزد. جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، ۱۳(۲)، صص ۱۷۳-۱۹۸.
- کلاتی ساداتی، احمد؛ رضوی، عسل. (۱۴۰۳). مطالعه‌ای کیفی از تجربه دینداری در نسل دهه هفتاد و تحصیلکرده در یزد. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۱۳(۴۶)، صص ۲۷-۵۰.
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش دو؛ مراحل و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی. تهران: جامعه‌شناسان.
- مرشدی، ابوالفضل. (۱۳۸۹). زیست جهان دانشجویان: به سوی چندگانگی؛ مطالعه موردی: دانشگاه صنعتی امیرکبیر. تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی، ۱(۱)، صص ۱۷۱-۲۰۷.
- میرسندسی، محمد. (۱۳۸۳). مطالعه میزان و انواع دینداری در میان دانشجویان. (استاد راهنما: محمود تقی‌زاده)، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، گروه جامعه‌شناسی.
- Ahmet, Ö. (2008). "Whither Business Ideology: Revisiting Veblen's Theory of Engineers as Revolutionary Actors." *Review of Radical Political Economics*, 41(2), pp. 196-215.
- Ammerman, N. T. (2014). *Sacred Stories, Spiritual Tribes: Finding Religion in Everyday Life*. Oxford: Oxford University Press.
- Berger, P. L. (1967). *The sacred canopy: Elements of a sociological theory of religion*. Garden City, NY: Anchor Books.
- Berry, J. W. (2008). Acculturation and adaptation of immigrant youth. *Canadian Diversity*, 2, pp. 50-54.

- Berry, J. W. (2017). *Theories and models of acculturation*. In Dinesh Bhugra & Kamaldeep Bhui (Eds.), *The Oxford Handbook of Acculturation and Health* (pp. 15-28). Oxford: Oxford University Press.
- Bourdieu, P., & Loïc, W. (2002). *An Invitation to Reflexive Sociology*. Polity Press.
- Braun, V., & Victoria, C. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), pp. 77-101.
- Dillon, M. (2018). *Postsecular Catholicism: Relevance and Renewal*. Oxford: Oxford University Press.
- Giddens, Anthony (1991). *Modernity and Self-Identity: Self and Society in the Late Modern Age*. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Lincoln, Y. S, & Egon G. G. (1985). *Naturalistic Inquiry*. Thousand Oaks, CA: SAGE Publications
- Sagiv, L., S. H. Schwartz, & Sarit, A. (2017). *Personal values, national culture and organizations: Insights applying the Schwartz value framework*. In Jaan Valsiner (Ed.), *The Handbook of Culture and Psychology* (2nd ed, pp. 475-510). Oxford University Press.
- Sandelowski, M. (1995). Sample size in qualitative research. *Research in Nursing & Health*, 18(2), pp. 179-183.
- Saroglou, V., Vincent. D., & René, D. (2004). Values and religiosity: A meta-analysis of studies using Schwartz's model. *Personality and Individual Differences*, 37(4), pp.721-734.
- Schwartz, S. H. (1992). Universals in the content and structure of values: Theoretical advances and empirical tests in 20 countries. In Mark P. Zanna (Ed.), *Advances in Experimental Social Psychology* (Vol. 25, pp. 1-65). Academic Press.
- Schwartz, S. H. (2012). An overview of the Schwartz theory of basic values. *Online Readings in Psychology and Culture*, 2(1). pp. 9-20. <https://doi.org/10.9707/2307-0919.1116>

- Schwartz, S. H, & Suzanne H. (1995). Value priorities and religiosity in four Western cultures. *Social Psychology Quarterly*, 58(2), pp. 88-107.
- Sterling, M. (2021). Thematic analysis in qualitative research: A practical guide. *Qualitative Research*, 21(3), pp. 455-471.
- Stylianou, Stelios (2004). "The Role of Religiosity in the Opposition to Drug Use." *Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*, 48(4). pp. 429-448.
- Swidler, Ann (2001). *Talk of Love: How Culture Matters*. Chicago: University of Chicago Press.
- Taylor, Charles (2007). *A Secular Age*. Harvard: Harvard University Press.